

چرا حجاب؟!

نویسنده

سید حسین الوان کار

www.ketab.ir

سرشناسه : الوان کار، سید حسین، ۱۳۳۶ -
عنوان و نام پدیدآور : چرا حجاب!؟ / نویسنده سید حسین الوان کار.
مشخصات نشر : تهران: فؤاد، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری : ۹۶ ص.
شابک : ۸- ۱۱- ۵۸۷۲- ۶۰۰- ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی : فیا
موضوع : حجاب
رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ ج ۴ الف ۷ / ۲۳۰/۱۷ BP
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۳۶
شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۶۷۳۴۱

چرا حجاب!؟

نویسنده: سید حسین الوان کار

قطع و صفحات: رقی ۹۶ صفحه

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

نویت چاپ: اول - ۱۳۹۰

شابک: ۸- ۱۱- ۵۸۷۲- ۶۰۰- ۹۷۸

ISBN: 978-600-5872-11-8

ناشر: انتشارات فؤاد - ۳۳۹۰۹۱۸۲

قیمت: ۱۸۰۰ تومان

تقدیم :

به روح طیبه مادرم که با مظاهر پوشالی و جلوه های مادی و خاکی سخت بیگانه بود. اسوه «صبر» بود و «اسطوره» ایمان. مظهر بی نیازی بود و قهرمان خطبه پرطنین سکوت. او که در ادبیات خاضعانه و رفتارهای مظلومانه اش نماد ممتازی از واژه اخلاص بود. اسوه بی آزاری و شایسته بی شائبه واژه قدوسی «مادر».

و به روح طاهر پدرم سالک طریق «نداشتن» و «نخواستن». او که خصیصه های ممتاز «وجود» و «سخاوت» را دستمایه معرفت و فتوت کرد. به آن دو که آگاه از مرگ خویش سر بر بالین سکوت گذاشتند و سرافراز از قفس خاک رهیدند.

فهرست مطالب

پیش گفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۳
فصل اول - ضرورت استمرار و طرح دائمی بحث.....	۱۹
حجاب در تاریخ ایران باستان.....	۲۱
صفات پسنديده - پوشيدگي روي و موي.....	۲۱
زيبايي هاي درون و زيبايي هاي برون.....	۲۳
فضيلت و خود جوشي.....	۲۴
فصل دوم - آموزه هاي روانشناختي کاربردي در حجاب.....	۲۷
"پوشش" از جنبه تشخص و تمايلات کمال گرایی.....	۲۷
"سوال" يا "اشکال"؟.....	۳۲
نشرف برخي زنان و دختران به اسلام و قبول حجاب.....	۳۴
ديامس خواننده زن فرانسوي مسلمان شد.....	۳۵
يک دانش آموز اسراییلی.....	۳۶
يک اشکال قابل توجه!.....	۳۸
خلاصه مطلب.....	۳۹

۴۱	فصل سوم - "حجاب" در قاموس ادب فارسی
۴۲	تاریخچه حجاب
۴۳	واژه حجاب
۴۳	علت پیدایش حجاب
۴۵	حدود پوشش
۴۵	ادله موافق
۴۶	ادله مخالف
۴۸	یک نکته حساس و قابل توجه
۵۰	موانع و آفت‌های شناخت و ارزشیابی حجاب
۵۰	"برابری"، "تعالف" و "تشابه"
۵۱	بهداشت روانی فردی و اجتماعی
۶۰	یک نقطه نظر
۶۱	حجاب اجباری نباشد اما بی‌حجابی، تحمیلی (تثبیتی) باشد!!
۶۵	فصل چهارم - شاخص‌های حقیقی و مجازی در حقوق زن و مرد
۷۰	نمایلات غریزی، هدف یا وسیله؟
۷۳	نکته‌ای به عنوان معیار حجاب یا بی‌حجابی
۸۶	الجزایر و مسئله حجاب - تاریخچه یک نیرنگ
۹۰	برداشتی از تفاوت برخورداری ارث بین زن و مرد در کلام وحی

پیش‌گفتار

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق

سلام، سلام بر آنها که به کتاب عشق می‌ورزند و به عشق آگاهی دارند و به آگاهی عشق آنها که با کتاب و قلم و مداد و پاک‌کن و کاغذ و یادداشت مأنوس هستند. روی میزشان، توی جیبشان، در خیالشان، در ذهنشان و در رؤیاهایشان خواندن و نوشتن را می‌پروارند. حتی در آشپزخانه، داخل ساک مسافرت از این چیزها دارند. در هر فرصتی، دوست دارند بخوانند و بنویسند و بپرسند و بگویند و بشنوند و بدانند و نشر دهند و معما حل کنند و در این وادی سرگشته حیات که نام آن زندگانی است و زمان پایان آن برای هیچ کس معلوم نیست چراغ آگاهی را برافروزند.

سلام بر آنها که حتی از مطالعه موضوعات و اندیشه‌های افکار مخالف خود و یا شنیدن نقطه نظرات آنها بیم ندارند و به اندازه‌ای شهامت معنوی دارند که اگر حقیقتی را بیابند با شرح صدر تمکین می‌کنند و با تکیه بر اندیشه‌های موهوم و ناتمام خود موجب رکود و توقف رشد فکری خود نمی‌شوند.

سلام بر آنها که هر جا کتاب می‌بینند می‌ایستند و حتی اگر توان خرید آن را ندارند با حسرت معنوی تماشا می‌کنند. آنها که با کتاب

انس و الفت قلبی دارند و همواره اوقات فعال و غیر فعال خود را صرف خواندن و دانستن می‌کنند. حتی وقت‌هایی را که معمولاً برای بعضی‌ها عاطل و باطل می‌گذرد؛ در انواع صف‌های طولانی نوبت، اتوبوس، هواپیما، در ساعات انتظار، در قطار، در منزل به طور خوابیده، نشسته، ایستاده، وقت و بی وقت می‌خوانند و می‌خوانند.

آنها که فرق "کسانی را که می‌دانند" با "کسانی را که نمی‌دانند"، می‌دانند آنها که حتی در میهمانی‌های خودمانی که برخی افراد سرگرمی‌های خوب و متوسط و بد و تلخ و شیرین دارند، کتاب می‌خوانند، یادداشت‌برداری می‌کنند، برای بقیه الگو و منشاء اثر هستند. سلام بر آنها که کتاب‌خوان‌ها و دوستداران کتاب را دوست دارند و حمایت می‌کنند، حتی اگر خودشان به هر دلیل امکان این کار را نداشته باشند. آنها که می‌دانند کتاب چیست، کتاب‌دار کیست و کتاب‌داری کدام است. سلام بر همه اساتید و دانشجویمان و فارغ‌التحصیلان و شاغلان و کارآموزان و طرفداران و خدمت‌گزاران کتاب‌داری و کتاب‌خوانی. همان کسانی که چراغ راه و نور هدایت‌اند و به کتاب‌خوان‌ها خدمت می‌کنند. اعم از این که مدرک تحصیلی داشته باشند یا نداشته باشند.

سلام بر آنها که دانایی را دوست دارند و شمع محفل‌های هدایت‌اند. سلام بر ناشران و مدیران و کارکنان نشر بویژه آنها که با نویسندگان صادقانه رفتار می‌کنند و با محققین ضعیف المال هم صادق و صمیمی‌اند. آنها که تیراژ نسخ چاپ و مراتب تجدید چاپ را مکتوم نمی‌کنند.

سلام بر آنها که حتی سالن‌ها و پذیرایی منزلشان را به جای نمایش لوازم خانگی و بلورجات و عروسک و غیره کتاب می‌گذارند تا به جای ارزش‌های مجازی و ناپایدار و صرف وقت جهت دکوراسیون زندگی خود، «خود» را دریابند و به حقیقت خود معنا بخشند و از خطر

تحقیر شدن و کمبود لوازم خانگی نمایشی بیم ندارند. آنها که جلوه و جمال زندگیشان کتاب است. آنها که از در هم ریختگی میز اتاق با کتاب و کاغذ و یادداشت احساس بی‌انضباطی نمی‌کنند. باطن را قربانی ظاهر نمی‌کنند و «محتوا» را تحت الشعاع «شکل» قرار نمی‌دهند. آنها که کتاب را به عنوان نیاز اساسی و اصل حیات معنوی انسان می‌شناسند و می‌دانند که نیاز مغز و روح به کتاب و نیاز انسان به معرفت بیش‌تر از نیاز گوارش به بعضی خوراکی‌هاست. حتی در صورت لزوم مخارج قسمتی از تفریح و خوراک خود را صرف خرید کتاب می‌کنند. آن‌ها که می‌دانند نخستین کلمه حیات بخش کلام الهی فرمان "بخوان" بود.

سلام بر آنها که برای حفظ کتاب و حرمت قلم از خیلی چیزها می‌گذرند. آنها که صرفاً اشتیاق به تکاثر مال و ثروت غیر هدف‌مند ندارند و از نداشتن آگاهی بیمناک و نگرانند. سلام و تحیت بر عالمان و وارثان انبیاء که می‌دانند راجع به "مال" و "آگاهی" چه موضعی باید داشت.

اکنون شمع بی‌رمق حیات خود را قبل از این که خاموش بشود به راهیان قله نور و سعادت تقدیم می‌کنم. اگر تالو این نور زیاد نیست حداقل یادآور نور است و می‌گوید زیبایی هم هست عشق هم هست ارزش هم هست.

سلام بر آنها که به نظر می‌رسد اگر به مفاهیم و گستره واژه حجاب واقف نیستند یا یقین ندارند، از خصیصه بارز حقیقت‌جویی و حقیقت‌پژوهی برخوردارند، کمال‌گرا و فضیلت‌طلب هستند. چشمه معنویت و گرایش به نور در دل آنها هست. افق‌های دید وسیع و اندیشه‌های قابل تقدیری دارند، کارمایه و اصالت دارند، معرفت دارند، اما فقط برخی نکات را که باید بدانند تا بقیه خصیصه‌های عالی خود را جلوه دهند و از "بودن

"گذر کنند و به سوی "شدن" بروند، نکته‌هایی را نمی‌دانند. درباره این قبیل افراد با خود اندیشیدم. آنها را تحت تأثیر جبرهایی دانستم که "اراده" و "اختیار" آنها را تحت تأثیر قرار داده است تا حدودی به آنها حق دادم. بیان جبرهای مورد نظر از حوصله این بحث خارج است. وقتی در انجمن‌ها و اجتماعاتی که بنا به مناسبت‌هایی بر حسب تمایل دوستان و علاقمندان پیرامون این قبیل موضوعات سخن می‌گفتم و دقت نظر آنها را به بیان استدلال‌ها متوجه می‌شدم و مطالب مطروحه را مورد استقبال آنها می‌دیدم و بدون ابراز خستگی آنها ادامه سخن به جلسات طولانی پرشش و پاسخ می‌انجامید، بیشتر به روح بلند و حقیقت پژوهانه آنها واقف می‌شدم. امیدوار می‌شدم، به وجد می‌آمدم، دلگرم می‌شدم و احساس مسئولیت در من شدت می‌گرفت. در صدد تراوشات بیشتر بر می‌آمدم. ابتدا تردید می‌کردم که با طرح کتبی این مسائل در این برهه از زمان احیاناً هم از سوی برخی افراد به تحجّرگرایی و خرافه پرستی و املیسم و کهنه اندیشی متهم شوم. در رهگذر طرح شفاهی حجاب بارها شنیدم که می‌گویند: «آقا امروز دنیا رشد کرده و دیگر وقت این حرف‌ها نیست، میلیون‌ها نفر در بسیاری کشورها بی‌حجاب‌اند و زندگی می‌کنند. و در صنعت و تکنولوژی و مدیریت پیشگامند. اما توکل کردم. یا نور و یا قنّوس.

اکنون خدای بزرگ را شکر می‌گزارم که بلندای تفکر نسل امروز و نگرش‌های آرمان گونه و روشن بینانه زنان با احساس و دختران با عزت ایران پر افتخار که از وجاهت درونی و باطنی چشم‌گیری برخوردار هستند می‌تواند نقصان کار مرا جبران کند.

قسم به قلم و آنچه که می‌نویسد^۱

انگیزه و مقصود من از تألیف این نوشتار صرفاً ارائه نقطه نظرات و استدلال‌هایی جهت تبیین و تشریح مقوله پوشش زنان و مردان و نگرشی به نقش و تأثیر مستقیم و غیر مستقیم آن در مناسبات زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی است که در شرایط ضیق وقت و سایر تنگناها و مشکلات عدیده روزمره (که انسان را از حلاوت تأمل در خلوت راز و جستجو در مبانی عقلی و فکری محروم می‌سازد) براساس احساس مسئولیت به منظور آگاهی و تبادل نظر کلیه علاقمندان از جمله محققین عالی قدر، بانوان محترم و بویژه دوشیزگان گرامی اعم از مسلمان و غیر مسلمان (که از سرمایه‌های بالقوه و بالفعل علمی و ذخایر فرهنگی و مفاخر اجتماعی کشور محسوب می‌شوند) تهیه و تنظیم شده است.

دوشیزگان عزیز جوان و نوجوان کشور در آینده ای نزدیک وظیفه خواهند داشت با حضور در عرصه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی،

سیاسی و بخصوص محیط سرنوشت ساز خانواده و انجام وظیفه و رسالت مهم خانه‌داری و تعلیم و تربیت که انجام صحیح آن همت والا و دانش بسیار می‌طلبد، نقش مهم و رسالت بزرگ خود را ایفا کنند و یا از طریق پرورش یا تزکیه و تعلیم و تربیت فرزندان صالح و شایسته (که قسمت مهمی از آن جزء صلاحیت و شایستگی زنان محسوب می‌شود) در دامان پر مهر و قدوسی خویش ثمرات گران بهایی برای خود در جامعه ایران عزیز که وارث بسیاری از ارزش‌های ملکوتی و اصالت‌های گران‌قدر میراث‌های فرهنگی و معنوی شگرف و منابع اقتصادی ارزشمندی است باقی گذارند و اسوه‌های عالی‌قدری را به جامعه هدیه کنند، به طوری که حتی هر یک از آنها منشأ آثار و برکات بزرگی برای عصر حاضر و نسل‌های بعد از خود باشند.

مدتی است به نظر می‌رسد به رغم توسعه و گسترش مطالعات علمی، فلسفی، معرفت‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی و تربیتی و... هنوز برخی ابعاد کاربردی امر پوشش در مسیر زندگی و سرنوشت فردی و اجتماعی انسان‌ها اعم از "زن" و "مرد" برای بعضی افراد که فرصت کافی برای پژوهش نداشته‌اند موجب سوال، تردید یا ابهام است. یکی از دلایل مهم این ابهام اجتناب ناپذیر این است که برخی از ابعاد این موضوع از لطایف، ظرایف، اعماق و رموز خاصی برخوردار است به طوری که ایجاب می‌کند خوانندگان محترم دقت نظر خاصی در وقوف به جنبه‌های مختلف آن داشته باشند.

البته با نکات عمیق مستدل و مستند مذکور در کلام الهی، لطائف و ظرائف "حجاب" در مناسبات جوامع انسانی روشن و آشکاراست و در صورت کسب آگاهی‌های لازم و کافی طبعاً نمی‌توان در آثار و نتایج ارزنده آن در ساختار اجتماعی تردید داشت.

تجربه نشان داده است که تردیدها، انکارها و چون و چراهایی که معمولاً به طور احساسی مطرح می‌شوند بیشتر از سوی افرادی است که اگر چه بسیاری از آنها قصد عناد و جدال ندارند و مایل به ارتقاء سطوح معنوی خود هستند، اما متأسفانه آگاهی‌های لازم و کافی در این خصوص ندارند و یا ناخواسته در مباحثی که از سوی مخالفین مطرح می‌شود تسلیم استدلال‌های سطحی آن‌ها می‌شوند، که عمدتاً بطور خواسته یا ناخواسته مبتنی بر ناآگاهی و یا نگرش‌های یک بعدی بوده است.

اساساً طرح مقوله پوشش و "حجاب" در جوامع امروز بویژه در ساختار فرهنگی کشورهای غربی حاوی دشواری‌های ویژه‌ای است. شاید همین مشکل سبب احساس تردید برخی هموطنان ایرانی و صاحب نظران برای طرح قاطع و اظهار نظر صریح موضوع بوده است و چه بسا آن‌ها را ناگزیر به احتیاط یا مصلحت‌اندیشی یا احياناً سلب مسئولیت کرده باشد. ازجمله بعضاً ممکن است به اقتضای نوع بحث و ارزش‌هایی که بر آن مترتب است، دفاع قاطع و صریح از این حریم قدوسی در مقابل افراد غیر عالم به موضوع، سبب سوء تعبیر و حتی موجب موضع‌گیری ایشان بشود.

این جانب اذعان و اعتقاد دارم نکات مطروحه در این مجمل نمی‌تواند حتی قسمتی از بیانات و ادله موجود برای طرح این مسئله گسترده و مهم باشد؛ زیرا لازم به نظر می‌رسد موضوع مورد نظر از دیدگاه و شرایط مختلف زمان، مکان، تمدن در جوامع مختلف به طور خاص مورد بررسی قرار بگیرد و طبعاً برای این جانب ورود به این بحث به مثابه غواصی در یک دریا به نظر می‌رسد، لذا هرگز داعیه جامع و مانع بودن مطالب مطروحه را ندارم. لیکن به این نتیجه رسیده‌ام که اگر قرار باشد اشخاص علاقمند

صبر کنند تا در فرصت مناسب یک تحقیق جامع و مانع و فاقد نقصان ارائه دهند شاید هیچ گاه حرکت سازنده‌ای انجام نشود و نظریه‌ای ابراز نشود و کشفی حاصل نشود و نیز نقد و تحلیل و تحقیقی صورت نگیرد.

یکی از انگیزه‌های من از تألیف این مطالب، خصیصه بیداری و هشیاری و ذوق و قریحه و وجدان و شرف و عزتی است که به ویژه در محیط‌های دانشگاه، جامعه و خانه در زنان و دختران امروز احساس کرده‌ام.

توصیه می‌شود نوشتار حاضر با عنایت به مفاهیم ارزشمند این پند عمیق الهی مورد مطالعه قرار گیرد که ایزد توانا در هدایت تشریعی تأکید فرموده است: "بشارت ده بندگان را که قول‌ها را می‌شنوند و به بهترین آنها عمل می‌کنند." ^{۱۱} خاطر نشان می‌سازد نکات مطروحه در این نوشتار هرگز با نیت و مقصود و اندرز تنظیم نشده است بلکه صرفاً به عنوان یک نقطه نظر و دیدگاه مطرح شده است مضافاً به اینکه هرگونه نقطه نظرات مخالف یا پیشنهادات اصلاحی اعم از کتبی یا شفاهی و نیز هرگونه نقد و بررسی را با گوش جان می‌شنوم و با طیب خاطر و اشتیاق وافر مورد بررسی و تأمل قرار خواهم داد. حتی پیشاپیش مراتب سپاس و امتنان وافر خود را از این اقدام مسئولانه ابراز می‌دارم و از قبل خود را مرهون لطف و زحمت نقادان عزیز خواهم دانست.

در خاتمه این مقدمه خاطر نشان می‌کنم، سعی شده است این نوشتار به سبکی ساده و نگارشی آسان در حجمی اندک و مجمل تهیه شود تا به خصوص برای دوشیزگان عزیز نوجوان و همه کسانی که به

مطالعه عادت چندانی ندارند و به الفاظ ثقیل آشنایی ندارند، خسته کننده و ملال آور نباشد و حتی برای سطوح مختلف تحصیلی به ویژه برای نسل عزیز نوجوان امروز و با هر عقیده و اعتقاد قابل مطالعه و بهره برداری باشد.

با آرزوی سعادت و بهروزی

سید حسین الوان کار

فروردین ۱۳۹۰